

پستچی مشغول به کار شد.

یا «مواسیر باربوسا» دروازه‌بانی که از بهترین‌های جهان به حساب می‌آمد در سال ۱۹۵۰ در فینال جام جهانی ماراکانا، در حالی که همه برزلی‌ها انتظار قهرمانی داشتند برابر اروگوئه دو مرتبه تسلیم شد تا سلسائو در مقابل دیدگان یک‌صد و نود و پنج هزار تماشاگر خود زانو بزند! بعد از آن باربوسا از سوی یک فروشنده به عنوان «مقصر گریه ملت برزیل» خطاب شد. او برای دور کردن بلا و نحسی از خود، در سال ۱۹۶۲ تیر دروازه‌های دیدار فینال را در میهمانی خود آتش زد!

تمام این احساسات و رفتارها به پست دروازه‌بانی جنبه‌ای رمانتیک و تا حدی فلسفی بخشید. «پیتر هانکه» اتریشی به همین خاطر کتابی با نام «اضطراب دروازه‌بان‌ها هنگام ضربه پنالتی» نوشت که مورد استقبال فوتبال‌دوستان نیز قرار گرفت. ضمن اینکه این مسائل و احساسات باعث شده بود بسیاری از مردم، گلرها را از صنعت فوتبال جدا بدانند. حتی «بریان گلاتویل» داستانی با نام «دروازه‌بان‌ها دیوانه هستند» نوشته است.

حضور دروازه‌بان‌ها حتی در اعلام نحوه چیدمان بازیکنان یک تیم در میدان حس نمی‌شد. «یاسپر سیلسن» دروازه‌بان هلندی تیم والنسیا در این خصوص می‌گوید: «اگر بخواهیم به شیوه قدیمی بیان کنیم باید بگوییم که دروازه‌بان کسی است که برای بازی در دیگر پست‌ها خوب نبوده و به همین دلیل به درون دروازه رفته است. البته اکنون اوضاع تغییر کرده و حالا دروازه‌بان‌ها واقعاً فوتبال بازی می‌کنند.»

تکامل مدافع – دروازه‌بان

چه چیزی تغییر کرد؟ پروسه استفاده از دروازه‌بان‌ها در بازی و تاکتیک تیم به اوایل دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که «گوستاو سبس» در مجارستان تیمی با بازی روان ساخت که برای پوشش تمام مناطق زمین با ترکیب جدید ۴–۲–۴ میدان می‌رفت و در آن بازیکنان به صورت متوالی و متناوب در مستطیل سبز جای خود را تغییر می‌دادند.

میدان می‌آمدند و در نقطه دقیقی که گلر باید توپ را ارسال کند، می‌ایستادند. «رینوس میشل» اما در یادگیری از تیم رویایی مجارستان سرعت عمل بالایی از خود نشان داد؛ او که هدایت هلند در جام جهانی ۱۹۷۴ را برعهده داشت به این نتیجه رسید که قدرت بازی با توپ «یان جونگیلود» برای سیستم «توتال فوتبال» تیمش نسبت به توانایی‌های گلر ماهری همچون «یان فن پورن» اهمیت بیشتری دارد. انتخاب جونگیلود به عنوان دروازه‌بان هلند از سوی میشل، یک تصمیم انقلابی در تاریخ فوتبال بود و نشان داد برای یک دروازه‌بان، قدرت بازی به عنوان مدافع آخر یا لیبرو حتی از مهارت توپ هم می‌تواند مهم‌تر باشد.

«یوهان کریوف» در فصل ۸۶–۱۹۸۵ به جای «رینوس میشل» سکان هدایت آژاکس را در دست گرفت و به «استنلی منزو» سنگربان تیم توصیه‌ای مهم می‌کرد: «جلو برو و اشتباه کن!» پیام او حاوی این نکته کلیدی بود که چنین سبکی از دروازه‌بانی با خطر همراه است اما به ریسکش می‌ارزد! این ریسک‌ها زمانی بیشتر خود را نشان داد که «لوئیس فن خال» به عنوان جانشین کریوف روی نیمکت آژاکس نشست. البته اشتباهات منزو در این زمان به حدی بالا رفت که فن‌خال را به کنار گذاشتن او و استفاده از «ادوین فن درسار» وادار ساخت. فن درسار از توانایی کنترل توپ خوبی بهره می‌برد ولی برخلاف استنلی با ریسک و خطر بالا، بازی نمی‌کرد.

با این حال کریوف از ایده‌آل خود دست نکشید؛ او به دنبال داشتن یازده فوتبالیست بود که یکی از آنها می‌توانست توپ را با دست هم مهار کند! او نسبت به میشل توجه بیشتری به این مسأله داشت و منزو را برای توانایی در بازی با پا و مشارکت در حمله ستایش می‌کرد. در سال ۱۹۹۲ بارسلونا با هدایت یوهان، به قهرمانی اروپا رسید و «ویکتور والدز» ده ساله همان سال به آکادمی این تیم پیوست. در ادامه اگر چه فن‌خال برای چهار سال هدایت بارسلونا را بر عهده گرفت اما کریوف هنوز هم مرد فلسفه این تیم محسوب می‌شد. والدز برای فوتبالی که بارسا در ادامه تحت هدایت «فرانک رایکارد» و «پپ گواردیولا» اجرا

«مواسیر باربوسا» دروازه‌بانی که از بهترین‌های جهان

به حساب می‌آمد در سال ۱۹۵۰ در فینال جام جهانی

ماراکانا، در حالی که همه برزلی‌ها انتظار قهرمانی

داشتند برابر اروگوئه دو مرتبه تسلیم شد تا سلسائو در

مقابل دیدگان یک‌صد و نود و پنج هزار تماشاگر خود

زانو بزند! بعد از آن باربوسا از سوی یک فروشنده به

عنوان «مقصر گریه ملت برزیل» خطاب شد



کرد، به بهترین نفر ممکن تبدیل شد!

بازی‌سازی از عقب

در گذشته هنگامی که تیمی توپ را در اختیار داشت، وظیفه سنگربان حفظ جایگاه خود بود؛ به نحوی که خطری اوو دروازه تیمش را تهدید نکند. با این حال مدافع – دروازه‌بان‌ها، وظیفه شناسایی حریف را نیز بر عهده گرفتند. «پکی بوئر» به تازگی درباره اینگونه از دروازه‌بان‌ها نوشته است: «آنها به بخشی از تیم تبدیل شده‌اند و در ساخت بازی از عقب زمین نقش دارند. آنها حتی توانایی این را دارند که شخصا به طراحی ضدحملات تیم خود با پاس‌هایی مناسب و متنوع بپردازند.» خوشبختانه اکنون شیوه‌های قدیمی دروازه‌بانی دیگر منسوخ شده و چهره‌های آرمان‌گرایی در شکل‌گیری این انقلاب اساسی ایفای نقش کرده‌اند، افرادی که از اهمیت ذهنیت و خلاقیت گلرها نه با زبان بلکه با نمایش‌هایشان سخن گفته‌اند و تعریف جدیدی از این پست را از خود به جای گذاشته‌اند.



«گل المپیک»



با سه گل سوئیس را شکست داد و جام قهرمانی المپیک را بالای سر برد. جالب اینجاست که اروگوئه با سفر به اروپا، تمرین در فرانسه و اسپانیا و برگزاری ۹ دیدار دوستانه برابر باشگاه‌های اسپانیایی، خود را آماده این تورنمنت کرده بود. قهرمانی اروگوئه در المپیک، ابتدا با استقبال تمام قاره آمریکا همراه شد؛ آنها با سبک بازی جدید خود قهرمانی را کسب کردند و برتری‌شان روی تمام قاره از جمله تیم ملی آرژانتین نیز تأثیر مثبتی گذاشت.

با این حال آلبی سلسسته در المپیک ۱۹۲۴ غایب بود، ضمن اینکه در شش دوره از هفت دوره برگزار شده جام ملت‌های آمریکای جنوبی نیز پایین‌تر از اروگوئه قرار داشت اما آرژانتینی‌ها بر این باور بودند که اگر به جای اروگوئه راهی المپیک می‌شدند، به قهرمانی می‌رسیدند. این بحث و جدل شرایط را برای یک دیدار دو مرحله‌ای دوستانه میان دو کشور در همان سال ۱۹۲۴ فراهم ساخت؛ اروگوئه قهرمان المپیک بود و بیشتر به دلیل مسائل مالی، حضور در این مسابقه را پذیرفت. آرژانتین نیز با هدف کم کردن اهمیت قهرمانی در المپیک، پا به این مسابقه گذاشت.

سوت پایان دو مسابقه جنجالی که با خشونت هم همراه بود، سرانجام به صدا در آمد؛ دیدار اول در خاک اروگوئه با تساوی یک بر یک به اتمام رسید و دو هفته بعد در دیدار برگشت تیم آرژانتین با نتیجه ۲ بر یک در دیداری که چهار دقیقه از آن بازی نشد، به برتری رسید!

هواداران آرژانتینی پس از اینکه یک صحنه مسلم پنالتی برای آنها از سوی داور مسابقه نادیده گرفته شد، به سمت زمین سنگ پرتاب کردند. اروگوئه‌ای‌ها ابتدا دست به اقدام متقابل زدند و سپس میدان را ترک کردند. به این ترتیب آرژانتین برنده دیدار برگشت و مجموع دو بازی شد؛ تقابلی جنجالی که از نگاه فنی شاید جایگاه چندان رفیعی در تاریخ فوتبال ندارد اما گل نخست آن تمام دنیای فوتبال را تحت تأثیر خود قرار داد، گلی که با نام «گل المپیک» در تاریخ فوتبال به ثبت رسید. «چزارو اونزاری» به نخستین بازیکن تاریخ فوتبال تبدیل شد که از روی نقطه کرنر مستقیم گلزنی می‌کند تا یک عصر جدید را در فوتبال رقم بزند.

در فرهنگ فوتبال آمریکای جنوبی و حتی اسپانیا و پرتغال، به گل‌هایی که مستقیم از روی نقطه کرنر به ثمر می‌رسد «گل المپیک» می‌گویند اما این مفهوم در آن زمان در سایر نقاط جهان معنایی نداشت ولی حالا معنایی بسیار با ارزش و هیجان‌انگیز دارد.

بدون هیچگونه شکی مشهورترین دیدار میان تیم‌های ملی آرژانتین و اروگوئه با وجود سپری شدن سال‌های طولانی، همچنان دیدار فینال نخستین دوره جام جهانی در سال ۱۹۳۰ است؛ جایی که اروگوئه در حضور ۷۰ هزار هوادار در ورزشگاه «مونته‌ویدئو» توانست از شکست ۲ بر یک به پیروزی ۴ بر ۲ برسد و نخستین قهرمان جهان لقب بگیرد. دیداری که قضاوت آن برعهده «جان لانگنوس» بلژیکی قرار داشت و طبق اعلام سایت فیفا؛ بدون توجه به جمعیت حاضر در ورزشگاه با مهارت کامل از پس این دیدار بر آمد و آن را مدیریت کرد! عجیب اینکه «اولیسیس ساکدو» کمک او در این مسابقه، در حقیقت سرمربی تیم بولیوی در تورنمنت بود که کنار سرمربگیری به امر داوری نیز می‌پرداخت.

«لوئیس مونتئ» هافبک تنومند جهان فوتبال و اسطوره سال‌های بعد یوونتوس نیز در این دیدار، نخستین فینال خود در جام جهانی را با پیراهن آرژانتین تجربه کرد. او چهار سال بعد هم طعم حضور در این دیدار را با تیم ایتالیا چشید! او در هر دو فینال نیز با تهدید مرگ روبه‌رو شد؛ در سال ۱۹۳۰ هواداران اروگوئه‌ای تنها خواهان تماشای شکست آرژانتین بودند و در ۱۹۳۴ «بنیتو موسولینی» انتظاری جز قهرمانی از ایتالیا نداشت تا عقاید فاشیسم خود را پیش ببرد.

داستان‌های دهه ۱۹۳۰ نسبت به حقیقت اصلی اما کم‌اهمیت‌تر است؛ اروگوئه اولین قهرمان جهان شد و رقابت دو کشور اولین صفحه خود را رقم زد!

فوتبال برای برگزاری نخستین تورنمنت بین‌المللی‌اش، مجبور شد تا سال ۱۹۳۰ انتظار بکشد. البته پیش از این المپیک ۱۹۰۰ نیز برگزار شد؛ در دوره نخست تنها سه تیم که در حقیقت سه باشگاه به عنوان نماینده کشورشان در المپیک حضور یافتند. در المپیک ۱۹۲۴ اما تعداد تیم‌ها از سه به دوازده افزایش یافت و رشته فوتبال در المپیک وجهه بین‌المللی‌تر به خود گرفت. در این برهه از زمان، فوتبال در آغاز راه حرفه‌ای‌گری بود و میان برخی کشورها تفاوت فاحشی وجود داشت. در شش مسابقه نخست آن تورنمنت، این تفاوت به واضح‌ترین شکل ممکن به تصویر کشیده شد و ۳ دیدار با اختلاف ۵ گل یا بیشتر به پایان رسیدند. مجارستان با پنج گل برابر لهستان، اروگوئه با هفت گل برابر یوگسلاوی و سوئیس با ۹ گل برابر لیتوانی به پیروزی دست یافتند!

اروگوئه که کارش را با برتری سنگین برابر یوگسلاوی آغاز کرده بود، با غلبه بر تیم‌های ملی آمریکا و فرانسه به فینال رسید و در دیدار پایانی